

ارزیابی جامعه‌شناختی ابعاد چهارگانه امنیت اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار شهر تهران)

آتنا غلام نیارمی*

چکیده

یکی از گروه‌های اجتماعی که برای امرار معاش و مشارکت اجتماعی و اقتصادی خود نیاز جدی به امنیت اجتماعی دارد، گروه زنان سرپرست خانوار است. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی جامعه‌شناختی ابعاد چهارگانه امنیت اجتماعی شامل امنیت مالی، جانی، عاطفی و ارتباطی در بین زنان سرپرست خانوار شهر تهران بوده است. در این راستا، پژوهشی پیمایشی در جامعه هدفی متشکل از ۴۰۰ زن سرپرست خانوار تحت پوشش موسسات حمایتی مردم نهاد در شهر تهران که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شده بودند، انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه به همراه مصاحبه بود. چارچوب نظری پژوهش با بهره‌گیری از نظریه‌های امنیت اجتماعی از جمله چند بعدی و اقتصاد محور و نظریه‌های اقتصادی از جمله زنانه شدن فقر و بیگانگی اجتماعی تبیین و داده‌های حاصل از پیمایش با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که زنان سرپرست خانوار در فضای خصوصی خانه و خانواده از احساس امنیت مالی، جانی، عاطفی و ارتباطی بالاتری برخوردار هستند. اما در فضای عمومی میزان احساس ابعاد امنیت اجتماعی در بین آنان کاهش چشمگیری می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی جامعه‌شناختی، زن سرپرست خانوار، امنیت اجتماعی.

۱. مقدمه

بسیاری از اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، امنیت اجتماعی را به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق افراد یک جامعه مطرح می‌کنند. در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) آمده است که "هر فردی به عنوان عضوی از جامعه دارای حق امنیت اجتماعی است". گروه اجتماعی زنان سرپرست خانوار نیز برای حضور در جامعه و فعالیت اقتصادی و اجتماعی نیاز مبرم به امنیت اجتماعی دارند. چراکه این زنان علاوه بر نقش‌های متداول زنان در خانواده، متولی نقش‌های مربوط به تأمین معاش و مدیریت خانوار نیز هستند. پس وجود یک محیط امن اجتماعی برای فعالیت‌های گوناگون آنان به ویژه فعالیت‌های شغلی و اجتماعی ضروری است. در اغلب جوامع به طور معمول مردان سرپرست خانواده بوده و نقش اقتصادی و حمایتی خانواده بر عهده آنان است. اما زنان بی‌سرپرست با نقشی عمدتاً غیر معمول به عنوان سرپرست خانواده باید وارد جامعه شده و در محیط اقتصادی و اجتماعی حضور یابند. این گروه از زنان به دلیل داشتن اجبار در تأمین معاش خانواده باید در فضای عمومی کسب و کار قرار گیرند. بنابراین برای آنان امنیت اجتماعی مسأله‌ای حساس‌تر خواهد بود. حضور فعال در جامعه برای اشتغال و سایر فعالیت‌های اجتماعی ارتباط مستقیمی با میزان احساس امنیت اجتماعی دارد. برای سنجش "امنیت اجتماعی" می‌توان میزان ابعاد آن را مورد سنجش قرار داد. ارزیابی امنیت اجتماعی در زندگی زنان سرپرست خانوار که در اکثر موارد از اقشار آسیب‌پذیر هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند از مسائل ضروری و قابل بررسی است. احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار که مسأله اصلی این پژوهش است برای ارتقاء آسایش و رفاه اجتماعی آنان مقوله‌ای حائز اهمیت می‌باشد. این مسأله با عنایت به گذار جامعه ایران از حالت سنتی به مدرن که پیامدهای خاص اجتماعی به همراه دارد، از اهمیت بیشتری نیز برخوردار می‌شود. از سوی دیگر، افزایش تعداد خانوارهای زن سرپرست به دلایل مختلف و مسائل و مشکلات فراوان آنان، باعث می‌شود که به این مسأله بتوان به عنوان یک مسأله اجتماعی قابل توجه نگاه کرد. براساس آمارهای رسمی سازمان بهزیستی کل کشور، در ایران در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۸۵، ۱۳۷۵ نسبت خانوارهای زن سرپرست به ترتیب ۳/۱، ۴/۷، ۷/۷ و ۹/۴ بوده است. این نسبت در سال ۱۳۹۵ به ۱۲/۱ رسیده است. بر اساس این آمار، افزایش تعداد این زنان به ویژه در سال‌های اخیر در ایران چشمگیر بوده است. بنابراین بررسی وضعیت این زنان در ابعاد گوناگون زندگی‌شان از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. مطابق

تعاریف موجود، "زن سرپرست خانوار" زنی است که عهده دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار خویش است.

زنان مطلقه، زنان بیوه و زنانی که شوهرانشان مهاجرت کرده و یا اطلاعی از آنان در دست نیست، به عنوان زن سرپرست خانوار شناخته می شوند. به عبارت دیگر، زن سرپرست خانوار زنی است که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خود یا یک خانواده را بر عهده دارد. افزایش امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار باعث افزایش اعتماد اجتماعی آنان برای حضور در جامعه برای انجام مشاغل گوناگون در زمینه های تولیدی و اقتصادی شده که این خود به توسعه اقتصادی یک جامعه کمک می کند. این مهم با سنجش میزان ابعاد امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار امکان پذیر خواهد بود.

در خصوص امنیت و مفاهیم آن، تعاریف گوناگونی در جامعه وجود دارد. گاهی امنیت به معنای در امان بودن حیثیت و آبروی افراد و مورد تعدی و تجاوز قرار نگرفتن آن و گاهی به معنی طراحی سیستم امنیت اجتماعی به گونه ای که مال و جان افراد در جامعه در امان بوده و محیط اجتماعی برای حضور افراد ایمن باشد، در نظر گرفته می شود. در این پژوهش، امنیت اجتماعی به هر دو معنای بالا در نظر گرفته شده است. یافته های پژوهش های متعددی نشان می دهد احساس امنیت، در میان زنان سرپرست خانوار پایین بوده و ترس، نا امانی، عدم اطمینان و گاهی انزوای اجتماعی در میان این گروه از زنان بیشتر تجربه و احساس می شود. (معیدفر، ۱۳۸۴، خسروی، ۱۳۸۰، محمدی، ۱۳۸۶)

در پژوهش های انجام شده تا کنون به طور مشخص به ارزیابی ابعاد امنیت اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار پرداخته نشده، به همین جهت هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان ابعاد امنیت اجتماعی این زنان در شهر تهران است. شهر تهران به عنوان یک کلان شهر، تعداد بالایی از زنان سرپرست خانوار کشور را در خود جای داده است. از طرفی مسأله امنیت اجتماعی در کلان شهری مانند تهران به عنوان شهری که شامل متکثرترین شکل گروه های اجتماعی و فرهنگ های مختلف است اهمیت ویژه ای می یابد. امنیت اجتماعی در شهرهای بزرگتر باید به شکل گسترده تری مورد بررسی قرار گیرد. با در نظر گرفتن ابعاد چهارگانه امنیت اجتماعی که شامل امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت عاطفی و امنیت ارتباطی است، این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش زیر است:

میزان احساس امنیت مالی، جانی، عاطفی و ارتباطی در بین زنان سرپرست خانوار شهر تهران چقدر است؟

۲. اهداف پژوهش

با عنایت به مسأله پژوهش، اهداف زیر برای پژوهش حاضر مطرح می‌گردد:

- شناخت و بررسی میزان احساس امنیت مالی در بین زنان سرپرست خانوار
- شناخت و بررسی میزان احساس امنیت جانی در بین زنان سرپرست خانوار
- شناخت و بررسی میزان احساس امنیت عاطفی در بین زنان سرپرست خانوار
- شناخت و بررسی میزان احساس امنیت ارتباطی در بین زنان سرپرست خانوار.

۳. فرضیه‌های تحقیق

برای سنجش امنیت اجتماعی هم باید به عوامل عینی (امور واقعی) و هم به امور ذهنی (درک و برداشت فرد) توجه کرد. با عنایت به چارچوب نظری پژوهش، فرضیه های تحقیق به صورت زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: احساس امنیت مالی زنان سرپرست خانوار در فضای خصوصی بالاتر از فضای عمومی است.

فرضیه دوم: احساس امنیت جانی زنان سرپرست خانوار در فضای خصوصی بالاتر از فضای عمومی است.

فرضیه سوم: احساس امنیت عاطفی زنان سرپرست خانوار در فضای خصوصی بالاتر از فضای عمومی است.

فرضیه چهارم: احساس امنیت ارتباطی زنان سرپرست خانوار در فضای خصوصی بالاتر از فضای عمومی است.

در جدول شماره یک ابعاد امنیت اجتماعی، تعاریف آنها و معرف هایی که از این تعاریف استخراج شده، آمده است:

جدول ۱. ابعاد و مولفه های امنیت اجتماعی

معرف‌ها	تعاریف	ابعاد امنیت اجتماعی
-آسودگی خاطر از در امان ماندن اموال و دارایی در منزل -آسودگی خاطر از در امان ماندن اموال و دارایی در محیط عمومی	اطمینان از در امان ماندن اموال و دارایی ها و سایر منابع مالی فرد در برابر آسیب‌های مختلف.	امنیت مالی

احساس امنیت جسمی و جانی در منزل - احساس امنیت جسمی و جانی در محیط عمومی	تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب هایی که مانع ادامه حیات آنان شود.	امنیت جانی
- میزان سهیم بودن دیگران در شادی های پاسخگویان - میزان سهیم بودن دیگران در رفع مشکلات پاسخگویان	اطمینان از آنکه دیگران ما را دوست دارند و بود و نبودمان برایشان اهمیت دارد، دردها و مصائب ما آنان را نیز دچار اندوه می کند.	امنیت عاطفی
- میزان تعاملات پاسخگویان با خانواده و نزدیکان - میزان تعاملات پاسخگویان با افراد جامعه	مجموعه تعاملاتی است که فرد با اعضای خانواده، خویشاوندان و افراد جامعه دارد و اعتمادی که در برقراری ارتباط با دیگران وجود دارد منجر به تسکین روحی فرد می گردد	امنیت ارتباطی

۴. پیشینه تحقیق

با مروری بر پیشینه تحقیقات انجام شده در حوزه امنیت اجتماعی زنان در ایران به نظریه رسد پژوهش حاضر، پژوهشی جدید در این حوزه باشد. چرا که در پژوهش های انجام شده مربوط به میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، اولاً بررسی این ابعاد چهارگانه مدنظر نبوده و ثانیاً بیشتر به امنیت اجتماعی کل زنان پرداخته شده است. نوروزی و فولادی سپهر (۱۳۸۸) در پژوهشی تبیینی به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین زنان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان می دهد متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، وضعیت اقتصادی و احساس نظم اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی زنان تأثیر مستقیم دارند. سهرابی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل آسیب زا در ارتباطات اجتماعی زنان سرپرست خانوار" نشان می دهد که فقدان همسر منجر به انزوای خانواده گشته و زنان سرپرست خانوار به باقی ماندن ارتباط مستمر با دیگران و دوستی پایدار، امید کمتری دارند و بقاء ارتباطی در بین آنان ضعیفتر از زنان دارای همسر است. مورفیلد (Morefield, 2007) در پژوهشی با عنوان "از طلاق تا ازدواج مجدد" به بررسی میزان امنیت اجتماعی در میان زنانی که طلاق گرفته و مجدداً ازدواج کرده اند، می پردازد. نتایج پژوهش حاکی از این است که این زنان چالش های متعددی به ویژه چالش های اقتصادی را تجربه کرده و این مسأله پیامدهایی در زندگی آنان داشته است. میدلی (Midley, 2005) در پژوهشی با عنوان "امنیت اجتماعی: اقتصاد و توسعه" به ارتباط بین اقتصاد و توسعه و امنیت اجتماعی پرداخته و نتیجه می گیرد هرچه

اقتصاد قوی تر باشد سطح امنیت اجتماعی افراد جامعه بالاتر می رود و این باعث افزایش توسعه یک کشور خواهد بود. در این تحقیق به زنان جامعه به عنوان نیمی از افراد جامعه اشاره داشته و تصریح می کند امنیت مالی برای زنان امنیت اجتماعی بیشتری را رقم می زند. سیمون (Simon, 1994) پژوهشی درباره زنان سرپرست خانوار در آمریکا انجام داده و به این نتیجه می رسد که زنان سرپرست خانوار (مادران تنها) میزان بیشتری از آسیب های روانی را تجربه می کنند که یکی از مهمترین این نگرانی ها احساس ناامنی عاطفی در منزل، جامعه و محل کار می باشد. لوبوا و متانی (Lubua&Metanni, 2004) در پژوهشی با عنوان "فضای شهری و امنیت: رسیدگی ایمنی برای زنان" به اهمیت امنیت جانی به عنوان یکی از ابعاد امنیت اجتماعی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که ترس از قربانی شدن، رفتار و حالات را در فضای عمومی شهری تغییر می دهد و این اثرات بر روی زنان و گروههای آسیب پذیرتر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است. اثراتی که فعالیت های آنان را محدود می کند و این مسأله فرصت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان را محدود کرده و کاهش می دهد. مطالعات بونتی و پاسکال (Bonnety&Pascal,2007) در پژوهشی با عنوان "سنجش مقایسه ای میزان امنیت اجتماعی زنان و دختران در محله های شهرپاریس" نشان می دهد زنان و دختران از زندگی کردن در مکان هایی که مطابق آمارهای رسمی نا امنی های بیشتری در آن وجود داشته و جرم خیز هستند، در هراسند و احساس ناامنی می کنند.

۵. چارچوب نظری تحقیق

در این پژوهش، برای تبیین نظری ابعاد امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار از دو دسته نظریه های مربوط به حوزه امنیت اجتماعی و نظریه های مربوط به حوزه زنان سرپرست خانوار استفاده شده است. با عنایت به مفهوم امنیت اجتماعی در این پژوهش، برای تبیین نظری ابعاد امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، از میان نظریه های موجود از بعد نظری می توان از دو نظریه امنیت اجتماعی اقتصاد محور و نظریه زنانه شدن فقر به عنوان پشتوانه تئوریک بعد مالی امنیت اجتماعی، از نظریه بیگانگی اجتماعی زنان سرپرست خانوار برای پشتوانه تئوریک بعد ارتباطی و عاطفی امنیت اجتماعی و در بعد تجربی از نظرات امنیت جانی بونتی و پاسکال و لوبوا و متانی برای پشتوانه مفهومی بعد جانی امنیت اجتماعی بهره گرفت.

نظریه های جدید در حوزه امنیت اجتماعی تمرکز بیشتری بر محور اقتصاد دارند. در این نظریه ها بر رابطه بین اقتصاد و امنیت اجتماعی تأکید می شود. رابطه بین شرایط اقتصادی هر فرد و احساس امنیت اجتماعی از آن چنان اهمیتی برخوردار است که دایره امنیت اجتماعی سازمان جهانی کار در سال ۲۰۱۰ میلادی کتاب راهنمایی را با عنوان "گسترش امنیت اجتماعی برای همه" تدوین نموده است که در آن به لزوم افزایش قدرت مالی و درآمد افراد برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی اشاره شده است. در این کتاب پارادایمی برای گسترش امنیت اجتماعی طراحی شده است که رویکردی دو بعدی دارد. بعد اول شامل گسترش میزان درآمد افراد جامعه است که آن را "گسترش افقی" می نامند. بعد دوم شامل فراهم کردن سطوح بالاتری از درآمد و کیفیت زندگی برای افراد جامعه است که مستمری بازنشستگی، حقوق از کارافتادگی و بیمه اجتماعی را نیز در بر می گیرد که آن را "گسترش عمودی" می نامند. در این پارادایم اعتقاد بر این است با بهبود شرایط و امکانات مالی افراد جامعه، امنیت اجتماعی نیز به شکل پلکانی افزایش خواهد یافت. (دپارتمان امنیت اجتماعی سازمان جهانی کار، ۲۰۱۰)

مک کی (Mckay, 2005) از نظریه پردازان امنیت اقتصاد محور در کتابی با عنوان "آینده سیاست امنیت اجتماعی" به اهمیت مولفه اقتصادی در تأمین امنیت اجتماعی اشاره می کند و از درآمد پایه شهروندان به عنوان یک فرصت ارزشمند برای نشان دادن تغییر شکل امنیت اجتماعی در آینده کشورهای سرمایه داری یاد می کند. او امنیت اجتماعی را در گرو تضمین حداقل درآمد هر شهروند دانسته و معتقد است توانمندی اقتصادی افراد گامی موثر در جهت تأمین عدالت و امنیت اجتماعی خواهد بود.

در بعد تجربی میدلی و تانگ (Midley & Tang, 2008) در کتابی با عنوان "امنیت اجتماعی، اقتصاد و توسعه" به نقش مهم و تأثیرگذار عوامل اقتصادی بر امنیت اجتماعی اشاره می کنند. آنان معتقدند که میان امنیت اجتماعی و اقتصاد رابطه معنادار وجود دارد. این دو محقق در پژوهش هایی که در این زمینه در ۸ کشور آفریقای جنوبی، شیلی، چین، ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی، انگلستان، نروژ و هند انجام داده اند نتیجه می گیرند امکانات اقتصادی و مالی هر فرد در جامعه بر میزان احساس امنیت اجتماعی او تأثیرگذار است. بدین معنی که هر چه فرد به لحاظ درآمدی و مالی شرایط بهتری داشته باشد، احساس امنیت اجتماعی بیشتری را تجربه می کند. وایس و گرابر (Gruber & Wise, 2007) در پروژه ای تحقیقاتی با عنوان "امنیت اجتماعی و سازماندهی تأمین شغل" رابطه بین امنیت

اجتماعی و درآمد و مستمری بازنشستگی را بررسی کرده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد بین دستمزد شغلی و مستمری بازنشستگی (متغیرهای اقتصادی) و امنیت اجتماعی یک رابطه معنادار قوی وجود دارد. با افزایش میزان دستمزد شغلی و مستمری بازنشستگی میزان امنیت اقتصادی افراد افزایش می یابد. جیمز (James, 2008) در پژوهشی با عنوان " تأثیر اصلاحات امنیت اجتماعی بر جنسیت" در سه کشور شیلی، آرژانتین و مکزیک نتیجه می گیرد که اصلاح برخی عوامل در امنیت اجتماعی بر برابری جنسیتی تأثیرگذار خواهد بود. تفاوت های دستمزد موجود میان زنان و مردان، شکاف جنسیتی عمیقی ایجاد می کند که این مسأله بر امنیت اجتماعی تأثیرگذار است.

یکی دیگر از رویکردهای مطرح شده در حوزه امنیت اجتماعی شامل نظریه های امنیت اجتماعی چند بعدی است. نویدنیا نیز در اثر خود به نام "امنیت اجتماعی" بر امنیت اجتماعی چند بعدی تأکید دارد. به نظر او امنیت اجتماعی یکی از شاخص های اساسی رفاه اجتماعی است که می توان آن را در یک شبکه علت و معلولی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. نوید نیا امنیت اجتماعی را در ابعاد امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت عاطفی و امنیت ارتباطی مطرح می کند. امنیت جانی یعنی تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب هایی که مانع ادامه حیات آنان شود. امنیت مالی یعنی اطمینان از در امان ماندن اموال و دارایی ها و سایر منابع مالی در برابر آسیب های مختلف. امنیت عاطفی یعنی اطمینان از آنکه دیگران ما را دوست دارند و بود و نبودمان برایشان اهمیت دارد، دردها و مصائب ما آنان را نیز دچار اندوه می کند. امنیت ارتباطی نیز مجموعه تعاملاتی است که فرد با اعضای خانواده، خویشاوندان و افراد جامعه دارد و اعتمادی که در برقراری ارتباط با دیگران وجود دارد منجر به تسکین روحی فرد می گردد. (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۶)

دسته دوم تئوری های مرتبط با این پژوهش، نظریه های جامعه شناختی حوزه زنان سرپرست خانوار است. مطابق نظریه آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار یا زانه شدن فقر، خانوارهایی که دارای سرپرست زن هستند، رشد فزاینده ای داشته و فرایند فقیر شدن آنان همچنان ادامه دارد. از طرف دیگر کودکان در این خانواده ها از امکانات رفاهی، مالی و عاطفی ناچیزی برخوردارند. میزان بزهکاری در میان نوجوانان این خانواده ها بیشتر از سایر نوجوانان است. یکی دیگر از معضلات زنان سرپرست خانوار عدم دسترسی به مشاغل با منزلت است. به عبارت دیگر این زنان اغلب مشاغل حاشیه ای، نیمه وقت، غیررسمی و کم درآمد دارند. مشکل دیگری که بر آسیب پذیری این زنان می افزاید، مسأله تنظیم وقت

برای انجام کارهای بیرون و درون خانه است. صاحب نظران این مشکل را "فقر زمانی" نامیده اند. علت اصلی وجود این شرایط در زندگی این زنان و آسیب پذیری آنان، نظام تبعیض جنسیتی است که به دو جنس این امکان را نمی دهد تا از فرصت های اجتماعی، شغلی، تحصیلی، درآمدی، رفاهی و تفریحی بهره یکسانی بگیرند. (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۱)

مطابق نظریه بیگانگی اجتماعی زنان سرپرست خانوار، اغلب زنان سرپرست خانوار به دلیل اینکه برای ایفای نقش سرپرست جامعه پذیر نشده اند، دچار نوعی سردرگمی و اختلال اجتماعی می شوند. کاهش ارتباطات اجتماعی یکی از مشکلاتی است که این گروه از زنان به آن دچار می شوند. وجود باورهای غلط، قضاوت ها و نگاه های تنگ نظرانه و نامناسب در جامعه نسبت به این زنان، احساس بیگانگی، ناامنی و ناراحتی در این زنان بوجود آورده و آنان را جامعه گریز می کند. این احساسات منفی نوعی حس معذب بودن برای حضور در اجتماع به آنان داده و محدودیت های اجتماعی برای آنان به بار می آورد. زنان سرپرست خانوار اغلب به اعضای درجه یک خانواده خود اعتماد دارند و میزان پذیرش افراد غیر فامیل برای آنان در سطح پایین تری قرار دارد. به طور کلی عدم اعتماد به دیگران، انگیزه شرکت در فعالیت های اجتماعی-اقتصادی این زنان را کاهش می دهد. نوع نگرش برخی از افراد جامعه به زنان بی سرپرست، محدودیت های جدی در شبکه روابط اجتماعی آنان به وجود آورده و نوعی بیگانگی اجتماعی در آنان ایجاد کرده است. این مسأله امنیت عاطفی و امنیت ارتباطی این زنان را با اختلال مواجه خواهد کرد. (شادی طلب، ۱۳۸۴: ۱۹)

زنان سرپرست خانوار در اغلب موارد به دلیل از دست دادن همسر، در شبکه روابط اجتماعی و خانوادگی خود دچار محدودیت ها و چالش هایی می شوند. بسیاری از این زنان تجارب آزار دهنده ای از روابط با دوستان و خویشاوندان خود داشته اند. این مسائل این زنان را دچار نوعی بیگانگی و انزوای اجتماعی می نماید. همچنین این زنان به دلیل تجارب اجتماعی کمی که از فضای جامعه دارند و نیز به دلیل اینکه مردی در کنار آنان نیست تا تجربه های آنان را تکمیل کند، استقلال و آزادی کمتری برای فرزندان خود قائل می شوند و معمولاً فرزندان آنان دارای اعتماد به نفس کمتر و ترس بیشتری از فضای اجتماعی هستند. اینها همه باعث افزایش اضطراب، افسردگی و مشکلات روحی زنان سرپرست خانوار گردیده و امنیت عاطفی آنان را به مخاطره می اندازد. (معیدفر، ۱۳۸۴: ۱۵).

۶. روش تحقیق

این پژوهش بر مبنای هدف مطالعاتی اش از نوع پژوهش‌های تبیینی و از حیث فرایند پژوهشی از نوع کمی است. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق، برای انجام آن از دو روش اسنادی در بخش نظری و روش پیمایش در بخش جمع‌آوری داده‌ها بهره‌گرفته شده است. برای درک بهتر و عمیق‌تر پاسخ‌گویان از مصاحبه همراه با پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل تمام زنان سرپرست خانوار شهر تهران است. در شهر تهران، ۲۴۷۰۱۶ خانوار توسط زنان سرپرستی می‌شوند. (نقل از سایت سازمان بهزیستی کل کشور، ۱۳۹۵).

از این میان حدود ۲ هزار زن سرپرست خانوار فقط تحت پوشش سازمان‌ها و موسسات خیریه مردم نهاد غیردولتی بوده و تحت پوشش هیچ سازمان حمایتی دولتی نیستند که جامعه آماری این پژوهش را همین ۲ هزار نفر تشکیل می‌دهند. حجم نمونه مورد نیاز این پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۰۰ نفر برآورد شد. برای انتخاب نمونه‌ها به موسسات خیریه مردم نهاد (غیردولتی) مراجعه شده و انتخاب نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انجام شده است. در مرحله اول نمونه‌گیری، با عنایت به پراکندگی موسسات خیریه مردم نهاد (غیردولتی) موجود در مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران و میزان تراکم این موسسات در این مناطق و همچنین تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش این موسسات، از منطقه شمال تهران ۷ موسسه، غرب تهران ۹ موسسه، شرق تهران ۶ موسسه، مرکز تهران ۸ موسسه و جنوب تهران ۱۰ موسسه انتخاب گردید. در مرحله دوم نمونه‌گیری، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، تعداد ۴۰۰ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش این موسسات، به عنوان نمونه نهایی تحقیق انتخاب شدند. دلیل انتخاب نمونه‌ها تنها از مراکز خیریه مردم نهاد، همکاری بیشتر این مراکز با پروژه‌های پژوهشی و سهولت هماهنگی برای دسترسی به نمونه‌های پژوهش در این مراکز نسبت به مراکز دولتی است. روش انجام این پژوهش روش کمی است. با توجه به ماهیت و موضوع تحقیق، داده‌های مورد نیاز از طریق دو ابزار جمع‌آوری شده است: پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه عمقی به منظور تکمیل و درک عمیق‌تر پاسخ‌ها. در این پژوهش به منظور سنجش روایی پرسش‌های مورد استفاده در پرسشنامه، از روش اعتبار صوری استفاده شده است که ضمن بهره‌گیری از کتب و منابع معتبر موجود در طراحی آن، پس از تنظیم طرح اولیه، با رجوع به متخصصان و صاحب نظران (اعتبارمحتوا)

در زمینه های مربوطه تأیید و پس از اعمال اصلاحات پیشنهاد شده توسط آنان پرسشنامه نهایی تدوین گردید. همچنین برای سنجش پایایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که بیانگر همبستگی و ثبات درونی قابل قبولی می باشد. داده های گردآوری شده در این پژوهش، در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفته است.

جدول ۲. ضریب آلفای کرونباخ سنجش ابعاد امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار

ردیف	متغیر	تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ
۱	امنیت مالی	۴	۰/۷۵
۲	امنیت جانی	۴	۰/۷۱
۳	امنیت عاطفی	۴	۰/۷۹
۴	امنیت ارتباطی	۴	۰/۷۶

۷. یافته‌های تحقیق

یافته های تحقیق در دو بخش توصیفی و تبیینی به شرح زیر است:

۱.۷ یافته‌های توصیفی تحقیق

پاسخگویان در ۵ گروه سنی از ۲۵ تا ۶۵ سال طبقه‌بندی شده‌اند. توزیع فراوانی سنی پاسخگویان نشان می دهد ۱۷/۳ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۵-۳۳ سال، ۲۷/۵ درصد در گروه سنی ۳۴-۴۱ سال، ۳۰/۳ درصد در گروه سنی ۴۲-۴۹ سال، ۱۶ درصد در گروه سنی ۵۰-۵۷ سال و ۹ درصد در گروه سنی ۵۸-۶۵ سال قرار دارند. توزیع فراوانی وضعیت تحصیلات پاسخگویان حاکی از آن است که ۱۰/۸ درصد از آنان فاقد سواد، ۲۰/۸ درصد دارای سواد خواندن و نوشتن، ۶۳ درصد دارای دیپلم و ۵/۵ درصد دارای مدرک لیسانس هستند. توزیع فراوانی علت سرپرستی پاسخگویان نشان می دهد ۵۱ درصد از آنان به دلیل فوت همسر، ۲۸/۵ درصد به دلیل طلاق، ۶ درصد به دلیل غیبت همسر و ۱۴/۵ درصد به دلیل از کار افتادگی همسر سرپرست خانوار شده اند. توزیع فراوانی نوع مسکن پاسخگویان حاکی از آن است که ۵۷ درصد از پاسخگویان دارای

مسکن استیجاری رهن و اجاره، ۱۴/۵ درصد دارای مسکن استیجاری رهن کامل، ۷/۵ درصد دارای مسکن سازمانی و ۲۱ درصد دارای مسکن شخصی هستند. توزیع فراوانی درآمد پاسخگویان نشان می‌دهد ۴۳/۸ درصد از آنان درآمدی بین ۲۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار تومان و ۵۶/۳ درصد از آنان درآمدی بین ۴۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار تومان دارند. توزیع فراوانی تعداد افراد تحت سرپرستی پاسخگویان نشان می‌دهد ۶۷/۳ درصد از پاسخگویان بین ۲ تا ۲۱/۳ نفر، ۲۱/۳ درصد بین ۳ تا ۴ نفر و ۱۱/۵ درصد بین ۵ تا ۶ نفر را تحت سرپرستی دارند. لازم به ذکر است که همگی پاسخگویان تحت پوشش موسسات حمایتی بوده و از هر دو نوع حمایت مالی نقدی و غیر نقدی این موسسات استفاده می‌کنند.

۲.۷ یافته‌های تبیینی تحقیق

میزان ابعاد امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار که شامل امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت عاطفی و امنیت ارتباطی است مورد سنجش قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

۱.۲.۷ بعد امنیت جانی

که شامل احساس امنیت جسمی و جانی پاسخگویان در منزل و در محیط عمومی است. ۱/۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط، ۵۰/۸ درصد در حد زیاد و ۴۷/۸ درصد در حد خیلی زیاد در خانه احساس امنیت جانی دارند. ۴/۵ درصد از پاسخگویان در حد خیلی کم، ۱۷/۵ درصد در حد کم و ۷۸ درصد در حد متوسط در محیط عمومی احساس امنیت جانی دارند. این آمارها نشان می‌دهد پاسخگویان در محیط عمومی احساس امنیت جانی کمتری نسبت به خانه دارند. در مصاحبه، پاسخگویان دلایل کم بودن احساس امنیت جانی در محیط عمومی را آزار کلامی و جسمی مردان و نگرانی از سوء استفاده جسمی توصیف کرده‌اند.

۲.۲.۷ بعد امنیت مالی

که شامل در امان ماندن اموال و دارایی‌های پاسخگویان در خانه و در محیط عمومی است. ۱/۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط، ۶۷ درصد در حد زیاد و ۳۱/۵ درصد در حد خیلی زیاد در خانه احساس امنیت مالی دارند. ۱۰/۳ درصد از پاسخگویان در حد خیلی کم، ۳۵/۳ درصد در حد کم و ۵۴/۵ درصد در حد متوسط در محیط عمومی احساس امنیت مالی دارند. این آمارها نشان می‌دهد پاسخگویان در محیط عمومی احساس امنیت

مالی کمتری نسبت به خانه دارند. در مصاحبه، پاسخگویان دلایل کم بودن احساس امنیت مالی در محیط عمومی را نگرانی از سرقت کیف یا اشیاء همراه خود یا گرفتار کلاه برداری مالی شدن توصیف کرده اند.

۳.۲.۷ بعد امنیت عاطفی

که شامل سهم بودن اطرافیان در شادی ها و کمک به رفع مشکلات در گرفتاری های پاسخگویان است. ۳۴/۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط، ۶/۳ درصد در حد زیاد و ۱۹/۳ درصد در حد خیلی زیاد اطرافیان را در شادی هایشان سهم می دانند. ۳۴/۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط، ۶/۳ درصد در حد زیاد و ۱۹/۳ درصد در حد خیلی زیاد، اطرافیان را در کمک به رفع مشکلات در گرفتاری هایشان سهم می دانند. در این مورد این زنان اذعان می کنند که به اطرافیان نزدیک خود اعتماد بیشتری برای بازگو کردن مشکلات یا درد دل های خود و تقسیم شادی ها نسبت به غریبه ها دارند.

۴.۲.۷ بعد امنیت ارتباطی

که شامل میزان تعاملات پاسخگویان با اعضای خانواده و خویشاوندان (نزدیکان) و میزان تعاملات با دیگر افراد جامعه است. ۳/۸ درصد از پاسخگویان در حد زیاد و ۹۶/۳ درصد در حد خیلی زیاد با اعضای خانواده و خویشاوندان (نزدیکان) تعامل دارند. ۴۹/۸ درصد از پاسخگویان در حد کم و ۵۰/۳ درصد در حد متوسط با دیگر افراد جامعه تعامل دارند. این آمارها نشان می دهد میزان تعاملات و امنیت ارتباطی پاسخگویان با اطرافیان نزدیک آنان بیشتر و با دیگر افراد جامعه کمتر است. در مصاحبه، پاسخگویان دلیل پایین بودن تعاملاتشان با دیگر افراد جامعه را عدم اعتماد کامل به آنان توصیف کرده اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی متغیرهای ابعاد امنیت اجتماعی از نظر پاسخگویان

ابعاد	متغیر	پاسخ	فراوانی	درصد
امنیت جانی	احساس امنیت جسمی و جانی در منزل	متوسط	۶	۱/۵
		زیاد	۲۰۳	۵۰/۸
		خیلی زیاد	۱۹۱	۴۷/۸
احساس امنیت جسمی و جانی در محیط عمومی		متوسط	۳۱۲	۷۸
		کم	۷۰	۱۷/۵
		خیلی کم	۱۸	۴/۵

۱/۵	۶	متوسط	اطمینان از در امان ماندن اموال و دارایی در منزل	امنیت مالی
۶۷	۳۶۸	زیاد		
۳۱/۵	۱۲۶	خیلی زیاد		
۵۴/۵	۲۱۸	متوسط	اطمینان از در امان ماندن اموال و دارایی در محیط عمومی	امنیت مالی
۳۵/۳	۱۴۱	کم		
۱۰/۳	۴۱	خیلی کم		
۳۴/۵	۱۳۸	متوسط	میزان سهمیم بودن دیگران در شادی های پاسخگویان	امنیت عاطفی
۴۶/۳	۱۸۵	زیاد		
۱۹/۳	۷۷	خیلی زیاد		
۳۴/۵	۱۳۸	متوسط	میزان سهمیم بودن دیگران در رفع مشکلات پاسخگویان	امنیت عاطفی
۴۶/۳	۱۸۵	زیاد		
۱۹/۳	۷۷	خیلی زیاد		
۳/۸	۱۵	زیاد	میزان تعاملات پاسخگویان با خانواده و نزدیکان	امنیت ارتباطی
۹۶/۳	۳۸۵	خیلی زیاد		
۵۰/۳	۲۰۱	متوسط	میزان تعاملات پاسخگویان با افراد جامعه و غریبه ها	امنیت ارتباطی
۴۹/۸	۱۹۹	کم		

جدول شماره ۴. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ابعاد امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار

ابعاد	امنیت جانی در محیط عمومی	امنیت جانی در منزل	امنیت مالی در محیط عمومی	امنیت مالی در منزل	جمع شادی	رفع مشکلات	تعامل با نزدیکان	تعامل با افراد جامعه
تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
میان	۳	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۳
مد	۳	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۳
دامنه تغییرات R	۲	۲	۲	۳	۲	۲	۱	۱

۸. نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، میزان سنجی ابعاد امنیت اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار شهر تهران بود. چرا که مسأله زنان سرپرست خانوار از یک سو و مقوله امنیت اجتماعی از سوی دیگر، دو حوزه قابل تأمل در دنیای امروز است. پس بررسی این دو حوزه، پژوهش‌های جدی و گوناگونی را می‌طلبد. زمانی که یک زن به هر دلیلی سرپرست خانوار می‌شود،

ناچار به حضور در جامعه برای رفع نیازهای مالی و تأمین اقتصادی خود و خانواده تحت سرپرستی خود می شود. بنابراین وجود یک جامعه امن و یک محیط سالم برای فعالیت این زنان ضروری به نظر می رسد. این مهم تنها با برقراری امنیت اجتماعی مناسب و ارتقای سطح آن در جامعه امکان پذیر خواهد بود. در این میان سنجش میزان هریک از ابعاد امنیت اجتماعی که در نهایت کلیت میزان امنیت اجتماعی یک زن سرپرست خانوار را نشان می دهد، مسأله ای بسیار اساسی و قابل بررسی است. چرا که شناسایی میزان امنیت اجتماعی این زنان می تواند در این حوزه راهبردی و کاربردی باشد. بی شک ارتقای امنیت اجتماعی زنان جامعه به ویژه زنان سرپرست خانوار از پیامدهای مهم نظم و انسجام اجتماعی و پیش شرط بنیادین توسعه و پیشرفت هر جامعه ای است.

یافته های این پژوهش نشان می دهد به طور کلی زنان سرپرست خانوار در فضای خصوصی از امنیت مالی، جانی، عاطفی و ارتباطی بالاتری برخوردار هستند. اما در فضای عمومی میزان امنیت جانی، مالی، عاطفی و ارتباطی آنان کاهش چشم گیری می یابد. نتایج به دست آمده از این پژوهش بیانگر این نکته است که راهکارهای افزایش احساس امنیت اجتماعی این گروه از زنان در جامعه به جهت ارتقای مشارکت اجتماعی آنان باید مورد بازنگری قرار گیرد. مهمترین یافته ای که از این پژوهش که از میان صحبت های این زنان در مصاحبه به دست آمد این است که زنان سرپرست خانوار تهادر محیط خانه و در کنار اعضای درجه یک خانواده و خویشاوندان بسیار نزدیک خود احساس امنیت کامل دارند. این در حالی است که زنان بد سرپرست یعنی دارای همسری مشکل دار حتی گاهی در محیط خانه خود احساس امنیت جانی و مالی ضعیفی دارند. آنان اذعان می کنند همسران اغلب معتاد آنان، با ضرب و شتم پول هایی که ایشان از کار کردن خود به دست آورده اند را گرفته و چنانچه مقاومتی در تسلیم پول یا حتی وسایل خانگی بکنند، آسیب های جدی به جسم آنان وارد می آورند.

در بعد امنیت مالی، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش ادن مورفیلد (۲۰۰۷) و پژوهش جیمز میدلی (۲۰۰۵) مطابقت و با نظریه امنیت اجتماعی اقتصاد محور و نظریه زنانه شدن فقر شادی طلب همخوانی دارد. در بعد امنیت جانی، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های نوروزی و فولادی سپهر (۱۳۸۸)، بونتی و پاسکال (۲۰۰۷) و نتایج پژوهش های بریتیش کلمبیا (۱۹۹۲) مطابقت دارد. در بعد امنیت عاطفی، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش سیمون (۱۹۹۴) مطابقت و با نظریه بیگانگی اجتماعی زنان سرپرست خانوار همخوانی دارد. در بعد امنیت ارتباطی، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش

سهرابی (۱۳۸۴) مطابقت و با نظریه بیگانگی اجتماعی زنان سرپرست خانوار معین‌فر همخوانی دارد.

نتایج این پژوهش، نکته دیگری را نیز مشخص می‌کند. کمبودها و محدودیت‌های زنان سرپرست خانوار تنها در بخش اقتصادی حائز اهمیت نیست. بلکه کیفیت زندگی این زنان به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و ارتباطی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد امروزه موسسات حمایتی بیشتر به بخش مالی و اقتصادی زندگی زنان سرپرست خانوار عنایت دارند. در حالی که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد سه بعد دیگر امنیت اجتماعی این زنان به ویژه در محیط عمومی جامعه نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. میزان ابعاد امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در بعد جانی و عاطفی و ارتباطی در محیط عمومی کاهش قابل توجهی داشته که این خود، نیاز به بازنگری اساسی برای طراحی راهکارهای کاربردی برای این مسأله خواهد داشت.

یکی از دغدغه‌های اصلی زن سرپرست خانوار برای حضور در جامعه، عدم احساس امنیت، زیر نگاه‌ها و نگرش‌های سستی منفی برخی افراد جامعه است. بسیاری از زنان سرپرست خانوار، تجاری از خواسته‌های نابجای مردان مثل صیغه کوتاه مدت یا آزارهای کلامی را دارند. تجربه تلخ دیگر این زنان این است که حتی زنان دیگر که هم جنس خود آنان هستند و انتظار می‌رود از آنان حمایت کنند، از گسترش رابطه با آنان می‌پرهیزند تا مبادا شوهرانشان تمایلی به این زنان پیدا کنند. به این ترتیب زنان سرپرست خانوار اغلب در دایره روابط در خانواده خود و فرزندانشان به نوعی محبوس شده و گسترش شبکه روابط اجتماعی آنان مخدوش می‌گردد. بنابراین در محیط خانه و در کنار افراد خانواده سطح بالاتری از امنیت جانی، عاطفی و ارتباطی را احساس می‌کنند. وجود این مسائل در شبکه روابط اجتماعی این زنان، به گونه‌ای تعادل روانی و ارتباطی آنان را به هم ریخته و امنیت عاطفی و ارتباطی آنان را تهدید می‌کند. با نوعی فرهنگ سازی می‌توان این نگرش‌های منفی سستی را از جامعه زدود و محیط امن تری برای حضور زن سرپرست خانوار در اجتماع پدید آورد. از طرفی احساس امنیت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار بر ارتقای کیفیت نقش مادری این زنان تأثیرگذار خواهد بود. افزایش منابع قدرت و بهبود موقعیت اجتماعی این زنان در پیوند با یکدیگر می‌تواند گامی در جهت توانمندسازی آنان باشد و تأثیر به‌سزایی بر امنیت اجتماعی آنان بگذارد. اعطای تسهیلات مالی در کنار فراهم آوردن زمینه‌ای برای آگاه‌سازی حقوقی، اجتماعی و فرهنگی، تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به

مقوله بیوه بودن یک زن با نوعی فرهنگ سازی، سبب امنیت بخشی به زندگی زنان سرپرست خانوار خواهد شد. مشارکت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در محیطی امن با امنیت اجتماعی بالا، استفاده از پتانسیل یک گروه اجتماعی در جامعه را امکان پذیر می سازد و چه بسا در صورت عدم وجود این امنیت اجتماعی، نیروهای بالقوه حضور این زنان در مشارکت اجتماعی و اقتصادی به هدر می رود. بنابراین با ایجاد شرایط مناسب اقتصادی و محیطی که این زنان در آن احساس امنیت اجتماعی داشته باشند می توان زمینه توانمندسازی آنان را فراهم نمود.

کتاب نامه

کتب

۱. جغتایی، محمد تقی (۱۳۸۳) سیاست اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۲. محمدی، زهرا (۱۳۸۶) زنان سرپرست خانوار، تهران: انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان
۳. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲) درآمدی بر امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۴. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸) امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

۱. سهرابی، عزت (۱۳۸۴) بررسی عوامل آسیب زا در ارتباطات اجتماعی زنان سرپرست خانوار، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تهران
۲. شادی طلب، ژاله (۱۳۸۴) فقر درآمدي فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، تهران: فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۳، شماره ۱۷
۳. صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۷۶) عوامل و موانع اجتماعی امنیت در ایران، همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران: انتشارات وزارت کشور
۴. معیدفر، سعید (۱۳۸۴) وضعیت فرهنگی - اجتماعی خانواده های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)، تهران: معاونت امور فرهنگی
۵. نوروزی، ف و فولادی سپهر، س (۱۳۹۱) بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان تهران، فصلنامه راهبرد، سال ۲، شماره ۵۳.

سایت ها

۱. سایت سازمان بهزیستی کشور

Books

- 1-Gruber,J,Wise,D(2007) social security programs and retirement around the world, A national bureau of economic research conference report
- 2-James,E, Edwards,A, Wong,R(2008) The gender impact of social security reform, The university of Chicago press
- 3- Lubuva,M, Mtani,J(2004) Urban space and security: A case of Dar es salaam, Safty audits for women,Tansania university report.
- 4-Midgley,J,Tang,K(2008) Social security:The economy and development, Palgrave Macmillan Publication
- 5-Moorefield,Eden&Others(2007),From divorce to remarriage:Financial management and security among remarriage women, Journal of divorce and remarriage,Vol47
- 6-Megowan,L(1990) The determinant and consequence of female headed and household, Population conciland, The international center for research women
- 7-Mckay,Ailsa(2005)The future of social security policy ,London , Routledge
- 8-Simmon,S(1994)Quality of life in community mental health care,Journal of nurse student ,England,Vol31

Websites

- 1-Social Security Department of ILO (2010)
- 2-Canadian Institute of social development (1996)